

متن پرسش

سلام استاد: بنظر می رسد ایرانی در کنار روح تشیع، روح ایرانی خود را در طول تاریخ ولو مخالف آموزه های مذهبی اش هم باشد حفظ نموده است و حتی می توان گفت این روح و این حواله ازلی از اهمیت بیشتری برای ایرانی برخوردار بوده است و جزو ذاتیات اوست و مذهب عرضی است چه می بینیم مذهب به زور شمشیر ظاهرا تحمیل می شود و اکثر ایران تا صفویه اهل تسنن هستند و باز صفویه با شمشیر گویا تشیع را حاکم نمود و ملت شیعه شد والا اگر حقیقت جویی مطرح بود این تلونها چه معنایی دارد؟ اما می بینیم حتی برخی پوخته های این روح را هم احدی نتوانسته در طول تاریخ ازین ملت بگیرد. مثل چهارشنبه آخر سال یا نوروز حتی جمهوری اسلامی که در طول چهل سال از زمین و آسمان برای بسط اسلام کوشید و روی خوش به رسوم ایرانی نشان نداد نتوانست اندک خراشی بدین پوخته وارد سازد چه رسد به مغز آن گرچه بسی مغز این ملت را خوردند و تراشیدند. راستی چرا اسامی ماه ها هنوز ایرانیست و تاریخ مقبول ایران شمسی است نه قمری که اسلام توصیه نمود؟ و چرا نوروز پرشکوه ترین عید این ملت است و جمهوری اسلامی گریزی از تعطیلی ۴ ، ۵ روزه آن بر خلاف مذاق خود و اسلام ندارد و اعیاد بزرگ اسلامی می آیند و می روند وانگار نه انگار. همچنین مطلبی را از زبان استاد سید حسین نصر شنیدم یا خواندم اگر اشتباه نقل نکنم اینست که ایشان موافق تداوم سلطنت بودند و ریاست نهاد ملکه را پذیرا شدند و گویا در نهاد ایرانی جایگاه سلطنت را مستقر می دانستند برایم تعجب آور بود ایشان با آن مقام علمی و عرفانی چرا دل بسته سلطنت هستند. نگو آنچه پیر در خشت بیند... باری روح ایرانی بخوبی بعد از انقلاب ایرانی خود که علیه ظلم بود نه علیه نهاد سلطنت و واقعا اگر امام به رغم توصیه ناصحان بر حذف سلطنت نمی کوشید ملت به همان مشروطه که شاه سلطنت کند نه حکومت - و این خیانتی بود که دو شاه آخر علیه نهاد سلطنت مرتکب شدند - قانع بودند اما به هر حال شد آنچه شد ولی باز بعد از انقلاب، ایرانی نهاد شاه را بازپروری کرد با اندیشه های عرضی اسلامیش متلایم کرد موروثی بودن آن که منشا فساد بود حذف کرد سعی کرد اقل اختیارات اجرایی را بدو بدهد و در قانون اساسی هم می بینیم مقام مسئول شناخته نشده است و آن نهاد شاهنشاهی ولایت فقیه است اگر چه بنظر می رسد برخی اضافات در تغییر قانون اساسی رخ داد که مصلحت نبود چون تعیین مستقیم رییس قوه قضاییه یا صدا و سیما گر چه اعلیحضرت خامنه ای خلد الله ملکه الی ظهور ملک الملکین امام مهدی با بصیرت و زیرکی فقط انتصاب رییس را پذیرفتند نه مسئولیت این دو را. یا برخلاف ساده اندیشی برخی که چرا رهبری مستقیم وارد مسائل نمی شوند این از بصیرت این مرد است که نباید اصل این نهاد مقدس ۲۵۰۰ ساله بلکه بسی بیشتر که

ریشه است را به خاطر شاخ و برگ های اجرایی ریشه کن نمود و امروز که با درایت ایشان حوزه نفوذمان در چین درین فضای بسته تحریمی گشوده می شود و از آن طرف به مدیترانه رسیدیم جای پاهایی در آفریقا و آمریکای لاتین یافتیم و سخن از تمدن و پیشرفت ایرانی می کند. بنظر نویدبخش امپراطوری و تمدن نوین و بزرگ ایرانی به توفیق یزدان خواهیم بود خداوند سایه اش را از سر این ملت کوتاه مکناد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ایرانیان با درکی که از وحی و ایزدان داشتند به خوبی متوجهی اشارات اسلام شدند و خودشان از اسلام استقبال نمودند و صفویه هم بر اساس گرایش مردم ایران به تشیع توانستند کار را جلو ببرند، وگرنه نوادگان شیخ صفی الدین اردبیلی گرایش عرفانی- سنی داشتند. این اقتضای روح این تاریخ است که دوران حاکمیت فرد بر جمع را بر نمی تابد، مگر حاکمیت قانون، به خصوص اگر آن قانون الهی باشد و همین امر منجر به ولایت فقه و فقیه می شود و از این جهت دوران شاهنشاهی که مبتنی بر محوریت فرد بود، گذشته است. موفق باشید